

ادامه از صفحه ۶

تلاش برای انقلاب واصلاح

موضوع بحث و موافقت امام را مطرح کردم. از پیش‌نویس قانون اساسی که دست من بود نسخه‌ای هم به شورای انقلاب داده شده بود. آقای حبیبی به پیشنهاد امام دکترگاوزیان و دکترمیناجی را جمع کرده بود تا با هماهنگی دولت و شورای انقلاب به بررسی مجدد پیش‌نویس پرداخته و مورد رسیدگی نهایی قرار دهند. وقتی این تعبیر را به کار بردم که می‌خواهیم قسمت‌هایی از قانون اساسی را به اطلاع مردم برسانیم، آیت‌الله مهدوی‌کنی رو کرد به حاضران و گفت: معلوم می‌شود که نسخه دیگری دست آقایان است که به ما نداده‌اند. من از این حالت نوعی دوگانگی را در دل ایشان نسبت به دولتمردان احساس کردم و خیلی رنجیده شدم. گفتم: خیر، این نسخه همان است که نمونه‌اش دست شماست، همان نسخه‌ای که امام هم تایید کردند و به آقایان مراجع، آقای گلیاپکان، آقای نجفی و آقای منتظری دادیم و آنها هم نظراتشان را داده‌اند.»

خداحافظی طولانی

طباطبایی، نامزد ریاست‌جمهوری بود و پس از رای‌نیاوردن در انتخابات ریاست‌جمهوری، از فضای سیاسی ایران دور شد و دیگر کمتر کسی از او خبری داشت تا آنکه در گرماگرم جنگ ایران ایران اسلحه و ماسک‌های ضدشیمیایی تهیه کرده بود. ولی در یک مورد خرید سلاح، حرف و حدیث‌های بسیاری درباره تعداد اصادق طباطبایی شد که مایه ناراحتی و دلخوری صادق طباطبایی شد، که بعد از انتشار اسناد فوق‌محرمانه از این اتهام تیره شد. اما این اتفاق چنان کام او را تلخ کرده بود که تا سال‌ها- سال۸۸ - در این‌باره اقلاق‌ها به سخن‌گفتن نداشت. سکوت طباطبایی طولانی بود و کمتر در فضای سیاسی دیده می‌شد. اگر حرفی هم می‌زد بیشتر درباره امام موسی‌صدر و امام‌خیمینی و انقلاب بود. صادق طباطبایی در تمامی این سال‌ها سکوت کرد تا آنکه در سال۸۸ او تلویحا از محسن رضانی حمایت کرد و درنهایت دبیر مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام طی حکمی، عضو بیت امام را به‌عنوان رئیس ستاد ایرانیان خارج از کشور و عضو شورای برنامه‌ریزی راهبردی خود منصوب کرد.

کاری برای آینده

طباطبایی از عمر سیاسی خود نافگفته‌های زیادی داشت. او می‌گفت: «هنوز آنقدر مطلب و تحلیل نانوشته و پاسخ‌های ناشنیده به ابهامات و سوالات دیگران در ذهن دارم که خالاحالا‌ها می‌شود گفت و نوشت.» خاطراتی که بخش‌هایی از آن را در کتاب خاطراتش و بخش‌هایی را در گفت‌وگو با روزنامه‌ها و مجلات بیان کرده است؛ کتابی که تا به‌حال سه‌جلد از آن منتشر شده و با بازتاب‌ها و اظهارنظرهای موافق و مخالف و گاه نقدهایی درباره محافظه‌کاری نویسنده روبه‌رو شده است. خودش درباره خاطراتش گفته است: «انگیزه و محرک اصلی من در نگاشتن این خاطرات، مرحوم حاج‌احمدآقا بودند و امام هنوز در آن زمان زنده بودند. در گفت‌وگوهایی که با ایشان داشتم، می‌گفتم که درباره فلان موضوع به این صورت بوده و ما می‌دانیم و حاج‌احمد آقا می‌گفتند که خب شما این موضوع را اطلاع دارید و بروید بگویید. می‌گفتم همین‌طور که نمی‌شود گفت، ایشان می‌گفتند این خاطرات و مسایل را مکتوب کنید. بعضی از این مطالب را نوشتم و برخی را نوشتم و برخی را هم که نوشتم به سرفت رفتم!» برای همین در مقدمه کتاب می‌نویسد: «تا آنجایی که به‌خاطر دارم.» اما هنوز کسی نمی‌داند آیا «صادق طباطبایی» پیش از فوت، فرصت این را داشته که ابهامات را برطرف و دو جلد بعدی کتابش را آماده چاپ کند یا نه.

برگ‌هایی مهم از خاطرات طباطبایی

او در مجموعه خاطرات خود می‌نویسد: «در سفری که سال۱۳۴۸ به‌مدت یک‌هفته به نجف رفته بودم، اواسط طرح بحث ولایت‌فقیه از سوی امام بود. پس از بازگشت به آلمان سمیناری داشتم در شهر هانوفر که یک سمینار ایدئولوژیک بود. در آن سمینار دکترحبیبی هم آمده بودند. ایشان پرسید که حال آقا چطور بودند؟ گفتم پا توی یک کشش کرده‌اند که الاویلا حکومت اسلامی! شوخی هم با کسی ندارند.» نکته‌ای مهم که طباطبایی، به نقل کلیت آن پسنده کرده که اگر این کلی گویی نبود، پاسخی مهم به ابهام خیلی از پرسشگران بود. یا نقل می‌کند دکترشریعتی قوت کرده بود و ماجرای «مراسم غریبانه شریعتی» را نقل می‌کند که پیام‌های تسلیت زیادی به‌سوی امام ارسال شده بود. امام متن تلگرافی را آماده کردند و در اختیار من و دکتر یزدی گذاشتند که پیام‌ها پاسخ داده شود «از مجموع سخنان امام، من احساس می‌کردم ایشان نسبت به دکترشریعتی آن نظری که اکثر روحانیون غیرمبارز و رجعت‌گرا داشتند را نداشتند. برعکس یک‌عنایتی از طرف امام نسبت‌به دکترشریعتی احساس کردم. این همان موضعی است که شهیدبهشتی در مدرسه حقانی خطاب به طلاب و در پاسخ به اظهارات آقای مصباح‌یزدی بیان کرده بودند. این کلمه «فقه» [در متن تلگرافا] برای ما کافی بود تا علیه آن گروه موسوم به «ولایتی‌ها» که علیه شریعتی جنجال راه می‌انداختند، موضع‌گیری کنیم.»

شما در تحلیل روابط

ایران و روسیه همیشه از تاریخ متاخر فی‌مابین شروع می‌کنید. اشاره به گریبایدوف و داستان کشته‌شدنش در ایران و اهمیت او برای همه روس‌ها به واسطه جایگاه ادبی‌اش. تلویحا شما می‌گویید که تصویر ایران در بین نخبگان روس مثبت نیست. شاید بتوان در این میان افکار عمومی را هم اضافه کرد؟ اگر نه، چهره ایران در بین روس‌ها معمولا چگونه ترسیم می‌شود؟ تصویری که ایران در افکار عمومی روس‌ها دارد، خیلی پیچیده‌تر از اینهاست. مطمئنا مثل تصویری نیست که از ترکیه به جا مانده است. خاطره جنگ‌های ایران و روس خیلی

از افکارعمومی دور شده است و تقریبا دیگر وجود ندارد. آخرین تصاویر مربوط به ایران، که سابقه تصویر امروز ایران هم هست، این کشور را سرزمین شرقی شکفت‌انگیزی می‌داند. حمله۱۸۲۹ به سفارت مسکو را هم مردم روسیه توطئه بریتانیا با استفاده از تحریک عده‌ای از مردم می‌دانند. بعد از اینکه ایران جزو مناطقی شد که روسیه در آن نسبت به نفوذ اقتصادی و توسعه‌طلبی سیاسی انگلستان حساسیت داشت، روس‌ها ایران را میدان رقابت اقتصادی- سیاسی مهمی در مقابل لندن می‌دیدند. این تصویر در حال‌های از عطر و طعم شرقی گرفتار شده بود و تا دهه ۱۹۴۰ ادامه داشت. استالین با ایده گروگان‌کشی سرزمینی در شمال غرب ایران، روابط را ادامه داد و درنهایت در اقدامی بسیار نادر عقب‌نشینی کرد. از نیمه دهه ۱۹۵۰ تصویر غلبه آمریکا بر ایران بیشتر نمود پیدا می‌کرد اما در روابط دوجانبه با ترکیه این تصویر تعدیل شد. بعد از انقلاب دو ذهنیت در شوروی در مورد ایران وجود داشت: از سویی خوشحال بودند که آمریکا را بیرون انداختند اما در عین حال می‌ترسیدند انقلاب بازتابی در میان جمعیت مسلمان روسیه پیدا کند. بعد از فروپاشی شوروی - زمانی که روس‌ها امید به ازسرگیری روابط استراتژیک با آمریکا داشتند - آنها موضع سخت‌گیرانه‌تری در مورد ایران گرفتند و زمانی که روابط میان مسکو و تهران تیره شد، تهران را کنار گذاشتند. در طول زمان، ترس‌های روسیه از انتشار بی‌ثباتی از سوی ایران به جمهوری‌های سابق شوروی در مرزهای جنوبی‌اش کم و کمتر شد. رویاوارشدن با ایران همیشه برای روس‌ها دشوار بوده است. نظام سیاسی ایران، پیچیدگی‌ها و الزامات خودش را داشته است. کار با رفسنجانی مطلوب و با احمدی‌نژاد، نه چندان رضایت‌بخش بوده است. بعد از ۲۰۱۴ که روسیه عملا از آمریکا بریده است، روسیه ایران را پیش از هر چیز یک بازیگر جدی منطقه‌ای و در عین حال شریک دشواری می‌داند. روحانی قطعا شریکی است که روس‌ها با او همکاری خوبی دارند و خواهند داشت.

حمانطور که شما هم در تحلیل‌هایتان بارها اشاره کردید، ایران یک همسایه و درعین‌حال یک رقیب است. دقیقا در جمله‌ای نوشته بودید که «هیچ وقت بین دو کشور عشق واقعی وجود نداشته است». ظاهرا کلید توضیح‌دهنده اصلی روابط تهران- مسکو نه دغدغه‌های مشترک امنیتی که روابط سودآور تجاری است. این روابط متناقض را چگونه می‌توان توضیح داد؟ از صفت متناقض استفاده کردم به این دلیل که یک طرف این رابطه (ایران) چارچوب استراتژیک همکاری را امنیتی و طرف دیگر بیشتر تجاری می‌بیند.

با شما موافقم. روس‌ها، ایرانی‌ها را قبل از هر چیز به‌عنوان تاجر می‌بینند، درحالی‌که مثلا عادت دارند ترک‌ها را جنگجو یا چیزی شبیه به این ببینند. با این حال تجارت با ایران در همین اواخر هم کار چندان ساده‌ای نبوده است. بوشهر مثال خوبی است. ایران هم مثل روسیه از لحاظ گازی و نفتی، کشوری غنی است. روسیه س‌وای انرژی هسته‌ای و فروش تسلیحات نظامی چیز دیگری برای ارایه به ایران ندارد. درعین حال هر دوی این موارد هم کالاهای «استراتژیک» هستند. این موضوع روابط تجاری ایران- روسیه را بیشتر خاص می‌کند. در مقام رقیب نیز تفاوت‌هایی وجود دارد: بحث تقسیم‌بندی دریای خزر، دغدغه‌هایی که در مورد برنامه‌های موشکی یا حتی هسته‌ای وجود دارد، اما در عین حال خط ممتدی هم از همکاری‌ها، از چین تا ارمنستان و آسیای مرکزی (تاجیکستان) وجود دارد. در مورد سطح همکاری‌ها شما هم تاکید دارید که شکلی خاص دارد. در میان بعضی از نخبگان ایرانی، روسیه شریکی استراتژیک است. در صحنه بین‌المللی هم روسیه را متحد ایران

سیاست

از گریبایدوف تا داعش

«دیمیتری ترینین»، رئیس بنیاد کارنگی مسکو در گفت‌وگو با «شرق» از علایق و تضادهای ایران و روسیه می‌گوید



دیمیتری ترینین، رئیس بنیاد پژوهشی «کارنگی ادونمنت» مسکو است. پای بیشتر گزارش‌های راهبردی اندیشکده‌های روسیه درمورد ایران، امضای او و هدایت علمی او به چشم می‌خورد. در چندین گزارش ارزیابی از وضعیت ایران و روسیه، «ترینین» پیش از هرچیز به قتل «گریبایدوف» در محل خدمتش در تهران دوره قاجار اشاره می‌کند. این اشاره تاریخی در مقدمه همه گزارش‌هایی است که قرار است بگوید ایران چه جایگاهی دارد. «دست‌پیش‌گرفتن» توصیف خوبی است از استفاده از این واقعه تاریخی برای تحت‌تاثیر قرار دادن برداشت روس‌ها از ایران. با وجود اینکه در نوشته‌هایش صراحت بیشتری از توضیح ماهیت روابط تهران و مسکو به چشم می‌خورد و آن را تجاری/موقعیتی و محتاطانه توصیف می‌کند، در پاسخ به پرسش‌های ما خوشبینی بیشتری نشان می‌دهد و جانب احتیاط را نگه می‌دارد. «ترینین» پرونده هسته‌ای ایران را آزمون حضور جهانی روسیه تفسیر می‌کند و در عین حال گمانه‌زنی‌ما در مورد نقش روسیه در بحث موشکی را صراحتا رد نمی‌کند. «ایران از چشم مسکو» و «پرونده هسته‌ای ایران و روسیه» از نوشته‌های آخر ترینین در مورد ایران است.

می‌دانند. اما شما در جایی گفته بودید چنین

تصویری از ایران در بین نخبگان روس عجیب و غریب است...

بیشتر نخبگان روس همچنان غرب‌گرا هستند. محکم در آغوش‌گرفتن ایران به‌عنوان شریکی استراتژیک در فاصله همکاری‌های مسکو-اروپا (۲۰۱۴-۱۹۸۹) غیرممکن بود. الان دوران متفاوتی شروع شده است. با این حال بهبود روابط روسیه-ایران ممکن است دشوار باشد (فاکتور اسرائیل را در نظر بگیرید) ولی در هر حال غیرممکن نیست (روابط ترکیه-روسیه بعد از ۱۹۹۱ قابل بررسی است).

شما همواره بر اهمیت سیاسی مذاکرات بر سر پرونده هسته‌ای ایران برای موقعیت جهانی روسیه تاکید دارید. شما، آن را لحظه آزمون

تعهد روسیه به حضور در صحنه بین‌المللی می‌نامید. در شرایط کشمکش روسیه با غرب این پرونده همچنان اهمیت گفته‌شده را دارد؟ یا باید گفت روسیه بیشتر این روزها درگیر برقراری موازنه ژئوپلیتیکی در مرزهای غربی‌اش با غرب است؟

درحالی‌که روسیه همچنان به رژیم منع گسترش هسته‌ای متعهد است. گرایش‌هایش نسبت‌به تهران ظاهرا دارد دوستانه‌تر می‌شود. روسیه موضع رسمی ایران را پذیرفته است: حق برنامه هسته‌ای در کنار پابندی به منع گسترش تسلیحات هسته‌ای.

ایران دروازه ورود روسیه به سازمان کشورهای اسلامی بوده است. روسیه در این سطح برای ایران هم لابی می‌کند؟ وضعیت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای همچنان عضوناظر است، این موضع متفاوت را چطور می‌بینید؟

فکر می‌کنم در میان‌مدت روسیه و چین از عضویت کامل ایران در شانگهای دفاع خواهند کرد. قبل از آن و مهم‌تر اینکه نیاز است تا تحریم‌های سازمان‌ملل رفع شوند. اگر در بهار پیش‌رو ایران و +۵ به توافق برسند، از این منظر کمک بزرگی به روابط خواهد کرد.

روسیه در برقراری روابط استراتژیک با اروپا و ژاپن با بن‌بست روبه‌رو شده است و مشمول تحریم است. از سوی دیگر خاورمیانه در آشوب پراکنده‌ای گرفتار شده است. مسکو می‌خواهد در خاورمیانه سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد یا همچنان به استراتژی برو-نرو (GO STOP) در مورد تهران ادامه خواهد داد؟

در شرایط فعلی به‌نظر می‌رسد مسکو واقعا به ایران نیاز دارد و باید نگاه استراتژیکی به روابطش با تهران داشته باشد. تماس‌های بیشتر با نخبگان ایرانی برای رسیدن به درک بهتر از ایران لازم است. حتی مهم‌تر از آن روابط جدید باید بر یک مبنای اقتصادی استوار قرار گیرد. همکاری‌هایی با مقایس کلان در حوزه انرژی اتمی می‌تواند پروژه‌ای باشد که لنگرگاه روابط دوجانبه قرار گیرد.

در مورد هم‌پوشانی مواضع روسیه و آمریکا در خاورمیانه چطور؟ در آینده به گفته شما این روابط استراتژیک میان تهران-مسکو چه تأثیری دارد؟

کابرخ‌ی منابع روس مدعی شده‌اند که توان موشکی ایران منبع تهدیدی برای سرزمین روسیه به‌شمار می‌رود. حتی در جایی خود شما نوشته بودید که موشک‌های ایرانی می‌توانند تهدیدی برای قلمرو روسیه باشند و اینکه مسکو جدا نگران است... آیا می‌توان حدس زد که اتفاقا این روس‌ها بودند که تلویحا مذاکرات را تحت‌تاثیر چنین مسائلی قرار داده‌اند؟

من فکر نمی‌کنم برنامه موشکی را کسی تهدید مستقیمی علیه روسیه تعبیر کرده باشد؛ به‌هرحال روس‌ها به‌عنوان یک‌اصل، بیشتر توانمندی‌ها را در نظر می‌گیرند تا نیات را. یک فهم بهتر استراتژیک میان روسیه و ایران نیازمند این است که چنین توانمندی‌هایی مورد توجه قرار بگیرد.

با توجه به ظهور گروه‌هایی مثل داعش و بحران اوکراین و مناقشه با اروپا، آیا هنوز کارشناسانی مثل شما می‌گویند که بحران‌های اخیر تأثیری بر پرونده هسته‌ای ندارد و نخواهد داشت؟

به‌نظرم آمریکا بیشتر به‌واسطه خطر داعش مایل به همکاری با ایران است و روسیه به واسطه بحران اوکراین و گسست روابطش با غرب. در واقع ایران میان این دو سرطیف کشش‌هایی را ایجاد می‌کند. یک طرف به دلیلی و طرف دیگر به خاطر مساله‌ای دیگر. بستر مذاکراتی ایران و +۵ تغییر کرده است. یک‌توافق جامع می‌تواند به امضا برسد در عین حالی که ممکن است اقدامات کنگره آن را از مسیر خارج کند.

شانس رسیدن به توافق را تا ماه مارس چقدر ارزیابی می‌کنید؟

بیش از هرزمان دیگری شانس توافق وجود دارد اما نه بیش از ۵۰درصد. از دید من حتی اگر پایانی برای مذاکرات به‌وجود نیامد، مذاکرات را نباید رها کرد. شکست در این وضعیت همه -ایران، روسیه، اروپا، آمریکا و چین - را به عقب برخواهد گرداند.

منهای پایتخت

عضو خبرگان رهبری:

گذر از روحانیت خطری است که جریان اصولگرایی را تهدید می‌کند

● قم-ایرنا: آیت‌الله عباس کعبی، عضو خبرگان رهبری؛ باید اصولگرایی را در درون حوزه‌های علمیه و روحانیت اصیل و متعهد جستجو کنیم، چراکه گذر از روحانیت خطری است که جریان اصولگرایی را تهدید می‌کند. برخی به دنبال اسلامی منهای روحانیت و در نتیجه منزوی‌کردن روحانیت و حوزه‌های علمیه هستند، اینها با برجسته‌کردن چند نقطه‌ضعف به دنبال القای این مساله هستند که از حوزه‌ها کاری بر نمی‌آید و باید دنبال الگوهای دیگر باشیم.

آیت‌الله هاشم‌زاده هریسی:

مدعیان انسجام ملی

برهم‌زنندگان وحدت هستند

● تبریز-ایلنا: آیت‌الله هاشم هاشم‌زاده هریسی، عضو مجلس خبرگان رهبری؛ بسیاری از افرادی که مدعی انسجام ملی هستند، خود، وحدت را برهم می‌زنند، افراد را طرد و تهمت و افترا می‌زنند، رسانه‌ها و مطبوعات، شایسته است، فسادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اداری را به خوبی انعکاس دهند. اخلاق اجتماعی موضوع بسیار مهمی است که در جامعه ما آسیب دیده و شایسته نظام و جامعه اسلامی نیست. شعار می‌دهیم اما در عمل، فاصله بسیار است.

استاندار سیستان و بلوچستان:

هیچ دانش آموزی از تحصیل محروم نمی‌ماند

● زاهدان-تسنیم: علی‌اوسط هاشمی، استاندار سیستان و بلوچستان؛ هیچ دانش‌آموزی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان به دلیل عدم‌توانایی در پرداخت حق سرویس نباید از تحصیل محروم بماند. اعتبارات کلانی که در حوزه آموزش و پرورش هزینه می‌شود با اعتبارات شورای توسعه استان برابری می‌کند که این امر، نشان‌دهنده اهمیت سرمایه‌گذاری در بخش نیروی انسانی است، ما نسبت به حق مسلم هر انسان که بودن بر طریق دانش و تحصیل علم است مسؤول هستیم و باید نگاه برنامه‌ای را در زمینه کاهش فاصله و ایجاد فرصت‌های برابر در همه نقاط استان قرار دهیم.



با سرطان هم میشه غرق شادی شد

با مشارکت در تامین هزینه خرید لباس عید برای کودکان مبتلا به سرطان، بهاری نو را با شادی کودکی‌شان آغاز می‌کنیم.



☎ ۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

#۷۲۰* 📱

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹
شماره تماس بازدید از محک: ۲۳۵۰۱۲۱۰

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org